روزنامه صبا
رسانه فرهنگ و هنر
www.sabanewspaper.ir
sabanewspaper_ir

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی
صفحه‌آرا: مهدی صالحی طاهری

تهران / میدان دربند / خیابان دربند / کوچه تویسرکانی / پلاک ۶۱
تلفن: ۲-۲۲۷۲۴۱۱۱
چاپ: شهر چاپ خراسان / توزیع: نشر گستر امروز





گفت‌گوی صبا با
محمدمهدی خدارحمی
نویسنده فیلم سینمایی «بی‌دار»

سینمای اجتماعی در مسیر غافلگیری





آیدا خدادوست
گفت‌وگو

فیلم سینمایی «بی‌دار» به کارگردانی حسین امیری دوماری و تهیه‌کنندگی حسین امیری دوماری و علی مردانه، محصول سال ۱۴۰۵ سینمای ایران است. فیلمنامه این اثر را محمدمهدی خدارحمی و حسین فخاری نوشته‌اند و شهاب حسینی، محمدرضا فروتن، آناهیتا افشار، پانته‌آ پناهی‌ها، بهناز جعفری و ناصر هاشمی در آن ایفای نقش کرده‌اند. این فیلم با بهره‌گیری از یک واقعه واقعی، به موضوع تعرض و پیامدهای آن می‌پردازد، اما به‌جای تمرکز مستقیم بر این مسئله اجتماعی، از آن بستری برای شکل دادن به روایتی معمایی و پرتعلیق ساخته است.

محمدمهدی خدارحمی، درباره شکل‌گیری ایده اولیه فیلم اظهار کرد: ایده اثر از مواجهه با یک ماجرای واقعی شکل گرفت، اما حتی طرح سه‌خطی داستان نیز مستقیماً براساس آن واقعه نوشته نشد. نکته‌ای در آن ماجرا توجه ما را جلب کرد و به نقطه عزیمت داستان تبدیل شد. پس از آن، همه‌چیز را تغییر دادیم و درام را از ابتدا ساختیم. برای مثال، اگر قرار بود همان واقعه واقعی به فیلم تبدیل شود، قهرمان داستان باید یک مرد می‌بود، درحالی‌که ما مسیر دیگری را انتخاب کردیم.

وی با اشاره به تفاوت رویکرد «بی‌دار» با دیگر آثار سینمایی درباره تعرض و تجاوز گفت: در بسیاری از این فیلم‌ها، خود اتفاق و پیامدهای اجتماعی یا روانی آن موضوع اصلی داستان است؛ اما در «بی‌دار» مخاطب تا بخش قابل‌توجهی از فیلم حتی متوجه نمی‌شود ایده اولیه داستان از کجا آمده است. پس از نخستین پیچش روایی، ابعاد تازه‌ای از ماجرا آشکار می‌شود و مخاطب درمی‌یابد با داستانی بزرگ‌تر از آنچه در ابتدا تصور می‌کرده، مواجه است. به نظرم تفاوت اصلی آثار سینمایی نه لزوماً در انتخاب سوژه، بلکه در نوع مواجهه مؤلف با آن شکل می‌گیرد.

خدارحمی درباره طراحی ساختار روایی فیلم و استفاده از عناصر تعلیق و غافلگیری بیان کرد: از ابتدا برای ما مهم بود فیلمی قصه‌گو و جذاب برای مخاطب بسازیم. در «بی‌دار» تلاش کردیم تا میانه فیلم بیشتر بر غافلگیری و پیچش‌های داستانی تکیه کنیم و پس از آشکار شدن اطلاعات و روشن شدن بخشی از رازها، تعلیق را پررنگ‌تر پیش ببریم. اگر از ابتدا تا انتهای فیلم همه‌چیز بر پایه تعلیق پیش می‌رفت، احتمال داشت ریتم یکنواخت شود و مخاطب خسته شود. از سوی دیگر، موکول کردن غافلگیری اصلی به پایان فیلم نیز فرصت استفاده از تعلیق در نیمه دوم را از ما می‌گرفت.

وی با اشاره به نسخه اولیه فیلمنامه و بازخوردهای نمایش‌های نخست افزود: نسخه اولیه فیلمنامه نزدیک به سه ساعت بود و آن را به نسخه‌ای حدوداً دوساعته رساندیم. در نمایش‌های اولیه، یکی از نگرانی‌ها ریتم بالای فیلم، به‌ویژه از دقیقه ۳۰ به بعد، و تعداد زیاد معماها بود. بعضی دوستان معتقد بودند داستان ظرفیت تبدیل شدن به یک مینی‌سریال یا مجموعه چندقسمتی را دارد. این فشردگی ما را نگران می‌کرد که مبادا مخاطب در بخش‌هایی از داستان جا بماند.

نویسنده «بی‌دار» ادامه داد: شاید یکی از برآوردهای اشتباه بخشی از فیلم‌سازان ایرانی این باشد که تصور می‌کنند مخاطب به قصه‌های آرام‌تر نیاز دارد و باید اطلاعات چند بار برای او تکرار شود. به نظرم «بی‌دار» می‌تواند مثال نقضی برای این نگاه باشد. مخاطب از ریتم بالا و پیچیدگی داستان استقبال می‌کند و لازم نیست همیشه اطلاعات را به ساده‌ترین شکل ممکن در اختیارش قرار دهیم.

خدارحمی درباره تجربه همکاری با حسین امیری دوماری نیز گفت: آشنایی ما زمانی شکل گرفت که او فیلمنامه‌ای را که من و حسین فخاری نوشته بودیم و هیچ‌وقت ساخته نشد، مطالعه کرد و پیشنهاد داد اثر بعدی‌اش را با هم بنویسیم. به نظرم حسین دوماری از نویسنده‌ترین کارگردان‌های سینمای ایران است و تسلط او بر متن، خلاقیت و توانایی‌اش در فیلمنامه‌نویسی، به‌ویژه با توجه به سابقه آثاری مانند «شنای پروانه» و «یاغی»، کاملاً مشخص است.

وی با بیان اینکه نگارش «بی‌دار» نزدیک به یک سال طول کشید، افزود: در تمام این مدت به‌صورت مستمر با یکدیگر در ارتباط بودیم. گاهی ایده‌ای مطرح می‌کردیم که مورد پسند کارگردان قرار نمی‌گرفت و گاهی براساس نظرات او متن را بازنویسی می‌کردیم. به همین دلیل فیلم را حاصل همکاری هر سه نفر می‌دانم. در مراحل پایانی نیز نظرات کارگردان و بعضی بازیگران، به‌ویژه در شکل‌گیری صحنه‌ها و پرداخت دیالوگ‌ها، مؤثر بود. در مجموع حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد متن اولیه در فیلم حفظ شده است.

این نویسنده درباره حضور خود در مراحل تولید و انتخاب بازیگران توضیح داد: از ابتدا فیلمنامه را جدی می‌گرفتیم و من نیز به‌عنوان مشاور در مراحل بعدی پروژه حضور داشتم. از انتخاب بازیگران تا فیلم‌برداری در کنار گروه بودم و نظراتم را مطرح می‌کردم. انتخاب بازیگران نیز به‌صورت مشورتی انجام شد و از همان مراحل نگارش طرح به بازیگران فکر می‌کردیم.

وی با تأکید بر تأثیر بازیگران در تکمیل شخصیت‌ها گفت: در جریان نگارش این فیلمنامه یاد گرفتیم که داستان و فیلمنامه موجودی زنده است و به‌تدریج رشد می‌کند. حتی پایان اولیه داستان با آنچه امروز در فیلم می‌بینیم متفاوت بود. پس از چند بار بازخوانی و فاصله گرفتن از متن، متوجه شدیم قصه پایان دیگری را طلب می‌کند.

خدارحمی ادامه داد: بازیگر با نگاه و تجربه شخصی خود به متن نزدیک می‌شود و ممکن است نکاتی را ببیند که نویسنده به آن‌ها توجه نکرده باشد. برای مثال، با حضور محمدرضا فروتن و با توجه به پیشینه تحصیلی او در حوزه روان‌شناسی، ابعادی به شخصیت اضافه شد که پیش از آن درباره نحوه پرداختشان به جمع‌بندی نرسیده بودیم. پیشنهادهای او در کنار ایده‌های ما به شکل‌گیری کاراکتر فعلی کمک کرد. شهاب حسینی نیز نخستین بازیگری بود که به گروه اضافه شد و حضورش در مراحل بازنویسی مؤثر بود.

وی درباره حاشیه‌های تبلیغاتی فیلم و واکنش‌ها به انتشار ویدئویی با حضور آناهیتا افشار پیش از اکران اظهار کرد: من در بخش تبلیغات فیلم نقشی نداشتم، اما احساس می‌کنم در سینمای ایران کمتر شاهد کمپین‌های تبلیغاتی خلاقانه و هویت‌مند هستیم. در سینمای جهان شرکت‌های فیلم‌سازی برای طراحی کمپین‌های تبلیغاتی بودجه و زمان قابل‌توجهی اختصاص می‌دهند. اتفاقی که برای «بی‌دار» افتاد، فارغ از واکنش‌های مثبت و منفی، می‌تواند تجربه‌ای برای بازتر کردن محدوده تبلیغات و بازاریابی در سینمای ایران باشد. امیدوارم در ادامه شاهد ایده‌های خلاقانه‌تری باشیم که ضمن متفاوت بودن، موجب آزردگی مخاطبان نشوند.

وی در پایان تأکید کرد: به اعتقاد من، بیش از آنچه شخصیت درباره خودش می‌گوید یا از گذشته‌اش تعریف می‌کند، تصمیم‌هایی که در طول داستان می‌گیرد، او را به مخاطب می‌شناساند. اینکه در موقعیت‌های دشوار چگونه رفتار می‌کند، در دوراهی‌ها چه انتخابی دارد و در مواجهه با اتفاقات چه واکنشی نشان می‌دهد، بخش مهمی از شخصیت‌پردازی را شکل می‌دهد. تلاش کردیم مخاطب هم‌زمان با پیشرفت داستان، شخصیت‌ها را نیز کشف کند؛ به‌گونه‌ای که حتی تا سکانس‌های پایانی همچنان با ابعاد تازه‌ای از آن‌ها روبه‌رو شود.

